



واکاوی مفهوم فرهنگ و ارتباط آن با زنان در دو رمان «أنا أحيا» و «عادت می کنیم»

وجیهه سروش^۱، جهانگیر امیری^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه

۲- دانشیار گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

رمان به عنوان طرح و برشی از زندگی افراد یک جامعه، برهه‌ای از زمان و فرهنگ اجتماع را با شخصیت‌سازی و تصویر حوادث زندگی آن‌ها در ظرف داستان می‌ریزد. عناصر سازنده فرهنگ یک جامعه بیانگر هویت گروهی از انسان‌هاست و فرهنگ در هر جامعه‌ای، مختص به خود آن جامعه است؛ اما وجود اشتراکات فرهنگی میان برخی جوامع امکان بررسی و مقایسه آن‌ها را با هم فراهم می‌سازد. زنان به منزله نیمی از پیکره اجتماع، همواره بار بخشی از تحولات فرهنگ جامعه را بر دوش کشیده‌اند. لیلی بعلبکی و زویا پیرزاد به عنوان زنان نویسنده‌ای که نسبت به نقش فرهنگ زنان در جوامع خود آگاهی داشته‌اند در رمان‌هایشان این موضوع را انعکاس داده‌اند. این نویسندگان هم‌فکر بوده و با دیدی انتقادی به جایگاه و نقش فرهنگی و اجتماعی زنان توجه کرده‌اند و خواستار تغییر بنیادین در نگرش مردم و بازنگری در تفاسیر مردسالارانه از متون ادبی شده‌اند. این تحقیق در پی آن است تا به بسترهای مشترک فرهنگی و اجتماعی جامعه عرب و ایران پردازد و نقش تحصیلات و آگاهی زنان و همچنین زبان به عنوان عناصری برجسته از فرهنگ جامعه و نیز خود باختگی فرهنگی در دو رمان «أنا أحيا» و «عادت می کنیم» را مورد بررسی قرار دهد تا از این رهگذر دیدگاه‌های این دو نویسنده معاصر ادبیات لبنان و ایران را درباره این موضوع به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مکتب تطبیقی آمریکایی مورد کنکاش قرار دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، أنا أحيا، عادت می کنیم، لیلی بعلبکی، زویا پیرزاد